

پیش‌ها و پانچ‌ها

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب‌ها شیخ محمد صالح المنجد حفظه الله تعالى



## موضوع:

### احکام؛ نماز؛ نمازهای واجب یومیّه

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پرسش

نویسنده: بهروز

تاریخ: ۱۳۹۶/۱۱/۸

لطفاً مبطلات نماز را با ادله‌ی قرآنی و روایی تبیین فرمایید.

پاسخ

تاریخ: ۱۳۹۶/۱۱/۲۳

مبطلات نماز، هفت چیزند:

۱. ریا به معنای نماز گزاردن با نیت خودنمایی به مردم؛ چراکه خداوند اخلاص را برای عبادت ضروری دانسته و فرموده است: **﴿فَاعْبُدِ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ﴾**<sup>۱</sup>؛ «پس خداوند را با خالص کردن دین برایش عبادت کن» و فرموده است: **﴿وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ﴾**<sup>۲</sup>؛ «و امر نشدند مگر به اینکه خداوند را با خالص کردن دین برایش عبادت کنند» و با این وصف، عبادت بدون اخلاص، عبادتی بدون امر خداوند، بلکه بر خلاف امر اوست و چنین عبادتی باطل محسوب می‌شود؛ خصوصاً با توجه به اینکه خداوند فرموده است: **﴿فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ... الَّذِينَ هُمْ يُرَاءُونَ﴾**<sup>۳</sup>؛ «پس وای بر نمازگزاران... آنان که ریا می‌کنند» و این مستلزم بطلان نماز آنان است؛ زیرا نمازی که صاحبش را به ویل الهی دچار می‌کند، نمی‌تواند صحیح باشد.

۲. مبطلات وضو؛ چراکه خداوند وضو را برای نماز ضروری دانسته و فرموده است: **﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ﴾**<sup>۴</sup>؛ «ای کسانی که ایمان آوردید! هرگاه به نماز برخاستید، روی هاتان و دست هاتان تا آرنج‌ها را بشویید و بر سرهاتان و پاهاتان تا دو برآمدگی مسح کنید». با این وصف،

۱. الزمر / ۲

۲. البینة / ۵

۳. الماعون / ۴ و ۶

۴. المائدة / ۶

اگر کسی در حین نماز به خروج ادرار یا مدفوع یا باد شکم دچار شود یا هوشیاری خود را به سبب خواب یا بیهوشی از دست بدهد، باید وضو بگیرد و نماز را اعاده کند، مگر اینکه دچار بی‌اختیاری در ادرار یا مدفوع یا باد شکم باشد که در این صورت باید مطابق با پاسخ پرسش ۳۱۶ عمل کند.

۳. از بین رفتن یکی از شروط نماز و آن‌ها در کتاب خداوند پنج چیزند:

یکم؛ پوشیده بودن **عورت**؛ با توجه به اینکه خداوند گرفتن زینت را برای نماز ضروری دانسته و فرموده است: **﴿يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ﴾**؛ «ای فرزندان آدم! زینت خود را نزد هر مسجدی بگیرید» و روشن است که کمترین زینت، پوششی برای عورت است؛ چنانکه فرموده است: **﴿يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُؤَارِي سَوْآتِكُمْ وَرِيشًا﴾**؛ «ای فرزندان آدم! برای شما لباسی نازل کرده‌ایم که عورت‌هاتان را می‌پوشاند و مایه‌ی زینت است». بنابراین، اگر کسی در حین نماز عورت خود را نپوشاند، باید نماز را از سر بگیرد و اگر مضطر باشد، به این معنا که به لباس دسترسی نداشته باشد، می‌تواند با هر چیز دیگری که به آن دسترسی دارد، عورت خود را بپوشاند و مثلاً مانند آدم و حوا علیهما السلام برگ درخت را بر روی آن قرار دهد؛ چنانکه خداوند درباره‌ی آن دو فرموده است: **﴿فَلَمَّا ذَاقَا الشَّجَرَةَ بَدَتْ لَهُمَا سَوْآتُهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ﴾**؛ «پس چون آن دو از درخت چشیدند، عورت‌هاشان برایشان نمایان شد و شروع کردند به نهادن برگ‌های بهشت بر روی آن‌ها».

دوم؛ پاک بودن بدن، لباس و مکان؛ با توجه به اینکه خداوند دوری جستن از نجاسات را برای نماز ضروری دانسته و فرموده است: **﴿وَرَبِّكَ فَكَبِّرْ ۝ وَتِيَابِكَ فَطَهِّرْ ۝ وَالرُّجُزَ فَاهْجُرْ﴾**؛ «و پروردگارت را تکبیر گوی و جامه‌ات را تطهیر کن و از پلیدی دوری جوی». با این وصف، اگر کسی در حین نماز دریابد که بدن یا لباس یا مکان او از قبل نماز نجس بوده است، باید آن را تطهیر کند و نماز را از سر بگیرد، ولی اگر بدن یا لباس یا مکان او در حین نماز با چیزی غیر از مبطلات وضو مانند خون‌ریزی بینی نجس شود، مقداری از نماز که پیش از نجس شدن به جای آورده، مطابق با امر خداوند و تبعاً صحیح بوده است و با این وصف، می‌تواند ادامه‌ی نماز را پس از تطهیر بدن یا لباس یا مکان به جای آورد، تا همه‌ی نماز را در حال طهارت به جای آورده باشد؛ مشروط به آنکه در این میان، یکی از مبطلات نماز را انجام نداده باشد.

۱. الأعراف / ۳۱
۲. الأعراف / ۲۶
۳. الأعراف / ۲۲
۴. المذثر / ۵-۳



سوم؛ غصبی نبودن لباس و مکان؛ با توجه به اینکه نماز در لباس و مکان غصبی، به معنای نماز از طریق گرفتن حق مردم است که عبادت خداوند از طریق معصیت او محسوب می‌شود و مانند صدقه دادن از مال دزدی است که قابل قبول نیست؛ چنانکه خداوند فرموده است: **﴿إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ﴾**؛ «خداوند تنها از پرهیزکاران قبول می‌کند» و فرموده است: **﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَصْلِحُ عَمَلَ الْمُفْسِدِينَ﴾**؛ «خداوند عمل مفسدان را درست نمی‌کند» و فرموده است: **﴿ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ اتَّبَعُوا مَا أَشْحَطَ اللَّهُ وَكَرِهُوا رِضْوَانَهُ فَأَحْبَطَ أَعْمَالَهُمْ﴾**؛ «آن از این روست که آنان از چیزی پیروی کردند که خداوند را به خشم آورد و خشنودی او را خوش نداشتند، پس اعمالشان را ناپود کرد». بنابراین، اگر کسی لباس یا مکانی را غصب کند و در آن نماز گزارد، باید نماز خود را در لباس یا مکانی دیگر اعاده کند.

چهارم؛ فرا رسیدن وقت نماز؛ با توجه به اینکه خداوند برای آن وقتی قرار داده و فرموده است: **﴿إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا﴾**؛ «هرآینه نماز بر مؤمنان در وقت‌های معین واجب شده است». با این وصف، اگر کسی آن را پیش از رسیدن وقت معینش به جای آورد، امر خداوند را امتثال نکرده است و باید آن را در وقت معینش اعاده کند؛ همچنانکه اگر پس از وقت معینش به جای آورد، نماز او **قضا** محسوب می‌شود.

پنجم؛ روی داشتن به قبله؛ با توجه به اینکه خداوند روی داشتن به آن را برای نماز ضروری دانسته و فرموده است: **﴿فَلَنُؤَلِّبَنَّكَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ﴾**؛ «پس تو را به قبله‌ای می‌گردانیم که می‌پسندی، پس روی خود را به سمت مسجد الحرام بگردان و هر جایی که هستید روی هاتان را به سمت آن بگردانید». بنابراین، اگر کسی در حین نماز به قبله پشت کند، باید نماز را از سر بگیرد، ولی اگر به آن پشت نکند، بلکه بدون قصد روی گرداندن از آن، به چپ یا راست روی گرداند تا جایی که پشت کردن به قبله بر آن صدق نکند، کار مکروهی انجام داده، ولی نماز او صحیح است؛ خصوصاً با توجه به سخن خداوند که فرموده است: **﴿وَلِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ فَأَيْنَمَا تُولُوا فَثَمَّ وَجْهَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾**؛ «و مشرق و مغرب برای خداوند است، پس به هر سو روی بگردانید آنجا روی خداوند است، هرآینه خداوند گشاینده‌ای داناست».

۱. المائدة/ ۲۷
۲. یونس/ ۸۱
۳. محمد/ ۲۸
۴. النساء/ ۱۰۳
۵. البقرة/ ۱۴۴
۶. البقرة/ ۱۱۵



۴. ترک رکوع یا سجود؛ چراکه آن دو در کتاب خداوند اساس نماز هستند؛ چنانکه فرموده است: **﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ازْكَعُوا وَأَسْجُدُوا وَاعْبُدُوا رَبَّكُمْ﴾**؛ «ای کسانی که ایمان آوردید! رکوع کنید و سجود کنید و پروردگارتان را بپرستید» و فرموده است: **﴿تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا﴾**؛ «آنان را در رکوع و سجود می بینی» و فرموده است: **﴿وَالرُّكُوعِ السُّجُودِ﴾**؛ «و رکوع کنندگان سجده کننده» و با این وصف، اگر کسی رکوع یا دو سجده را در رکعتی از نماز به جای نیاورد، اساس نماز را بر پا نداشته و ناگزیر است که آن را اعاده کند، ولی ترک سایر اعمال نماز هرگاه از روی خطا یا فراموشی باشد، مبطل نماز نیست؛ چراکه آن‌ها اساس نماز محسوب نمی‌شوند و از طریق قضا یا سجده‌ی سهو، قابل تدارک هستند.

۵. جهر یا اخفات غیر متعارف؛ به این صورت که قرآن یا اذکار نماز را با صدایی بیش از حد بلند یا بیش از حد آهسته بخواند؛ چراکه خداوند فرموده است: **﴿وَلَا تَجْهَرُ بِصَلَاتِكَ وَلَا تُخَافِتُ بِهَا وَابْتَغِ بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا﴾**؛ «و نمازت را به جهر یا به اخفات نخوان و میانه‌ی آن دو راهی پیدا کن» و با این وصف، اگر کسی نمازش را به قدری بلند بخواند که باعث تعجب و آزار مردم شود، یا به قدری آهسته بخواند که خودش هم نشنود، باید آن را اعاده کند؛ چراکه خداوند از چنین نماز خواندنی نهی کرده و نهی او در عبادات موجب بطلان است، ولی اگر کسی نماز صبح، مغرب و عشاء را مانند نماز ظهر و عصر آهسته بخواند، یا نماز ظهر و عصر را مانند نماز صبح، مغرب و عشاء بلند بخواند، اشکالی ندارد.<sup>۵</sup>

۶. شک غیر عادی در رکعات نماز؛ به این صورت که نداند یک رکعت یا دو رکعت یا سه رکعت خوانده، یا نداند دو رکعت یا سه رکعت یا چهار رکعت خوانده، یا نداند یک رکعت یا دو رکعت یا سه رکعت یا چهار رکعت خوانده؛ زیرا چنین شکی جز با سهل انگاری در نماز و عدم محافظت بر آن پدید نمی‌آید، در حالی که خداوند محافظت بر آن را ضروری دانسته و فرموده است: **﴿وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ﴾**؛ «و کسانی که بر نمازشان محافظت می‌کنند» و سهل انگاری در آن را مستوجب کیفر دانسته و فرموده است: **﴿فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ ۚ الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ﴾**؛ «پس وای بر نمازگزاران؛ کسانی که در نمازشان سهل انگاری می‌کنند» و با این وصف، چاره‌ای از اعاده‌ی چنین نمازی نیست. همچنین است شک در دو رکعت اول نماز؛ با توجه به اینکه بعید نیست شک در آن‌ها نیز عادی نباشد و مصداق سهل انگاری در نماز و عدم محافظت بر آن باشد

۱. الحج / ۷۷

۲. الفتح / ۲۹

۳. البقرة / ۱۲۵

۴. الإسراء / ۱۱۰

۵. در این باره، بنگرید به: پرسش و پاسخ ۲۲۰.

۶. المعارج / ۳۴

۷. الماعون / ۴ و ۵



و با این وصف، احتیاط در اعاده‌ی نماز به سبب چنین شکی است؛ مگر اینکه کسی به اقتضای پیری یا بیماری دچار ضعف حافظه و تمرکز باشد؛ چراکه در این صورت، معذور است و مکلف به اعاده‌ی نماز نیست<sup>۱</sup>.

۷. بر هم زدن صورت نماز با انجام دادن کاری که هرگاه از کسی دیده شود، گمان می‌رود که نماز نمی‌گزارد؛ مانند خوردن و آشامیدن، سخن گفتن با دیگری، خندیدن با صدای بلند، گریستن با صدای بلند مگر با یاد خداوند و هر کار غیر متعارف و غیر ضروری دیگر؛ چراکه آن سهل‌انگاری و عدم خشوع در نماز است، در حالی که خداوند خشوع در نماز را ضروری دانسته و فرموده است: **«الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ»**<sup>۲</sup>؛ «کسانی که در نمازشان خاشع هستند» و سهل‌انگاری در آن را مستوجب کیفر دانسته و فرموده است: **«فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ»**<sup>۳</sup>؛ «پس وای بر نمازگزاران؛ کسانی که در نمازشان سهل‌انگاری می‌کنند»، ولی کارهایی مانند گذاشتن دست‌ها بر روی هم و «آمین» گفتن بعد از حمد و دعا کردن به زبان غیر عربی و عطسه یا سرفه کردن و خاراندن بدن و آب دهان انداختن و کشتن حیوان موذی و التفات اندک به چپ و راست و اشاره کردن با دست به دیگری در وقت حاجت، مبطل نماز نیست؛ همچنین است اشاره کردن با دست به دیگری در جواب سلام، هرگاه در اثناء نماز به او سلام کند، ولی آیا می‌تواند جواب سلام را با کلام بدهد؟ در این باره میان فقیهان اختلاف است؛ به این ترتیب که شافعی، مالک، احمد و ابو ثور آن را جایز نمی‌دانند و معتقدند که اشاره کردن با دست کافی است و ابو حنیفه اشاره کردن با دست را نیز جایز نمی‌داند و اهل بیت و سعید بن مسیب، حسن بصری و قتاده معتقدند که اشاره کردن با دست کافی نیست و جواب دادن سلام با کلام واجب است، در حالی که هر سه گروه به روایات استناد می‌کنند؛ با این تفاوت که روایات گروه سوم با کتاب خداوند سازگارتر است؛ چراکه کتاب خداوند جواب دادن سلام را با سلامی بهتر از آن یا مانند آن واجب ساخته و فرموده است: **«وَإِذَا حُيِّئْتُمْ بِهِ بِحَيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوها»**<sup>۴</sup>؛ «و هرگاه به شما تحیتی گفته شد، با بهتر از آن تحیت گویند یا آن را برگردانید» و روشن است که «هرگاه» مطلق است و شامل گاه نماز هم می‌شود و تخصیص آن با روایات ممکن نیست؛ همچنانکه امر خداوند به خشوع در نماز، آن را تخصیص نمی‌زند؛ چراکه **«السَّلَامُ»** از نام‌های خداوند است<sup>۵</sup> و **«سَلَامٌ عَلَيْكُمْ»** در کتاب او آمده است<sup>۶</sup> و با این وصف، گفتن آن در نماز به قصد نام بردن از خداوند و خواندن کتاب او و امتثال امرش، سهل‌انگاری در نماز محسوب نمی‌شود و منافاتی با خشوع در آن ندارد.

۱. در این باره، بنگرید به: پرسش و پاسخ / ۲۷۰.

۲. المؤمنون / ۲

۳. الماعون / ۴ و ۵

۴. النساء / ۸۶

۵. بنگرید به: الحشر / ۲۳.

۶. بنگرید به: الأنعام / ۵۴؛ الأعراف / ۴۶؛ الزعد / ۲۴؛ النحل / ۳۲؛ الزمر / ۷۳.

آری، اگر سلام کننده در حال عبور نباشد، بلکه در حال ورود یا جلوس باشد، به نحوی که نمازگزار بداند تا پایان نماز نزد او می ماند، اولی آن است که صبر کند و پس از پایان نماز جواب سلامش را بدهد؛ چراکه با این کار، هر دو امر خداوند را امتثال کرده؛ به این معنا که هم جواب سلام را داده و هم صورت نماز را حفظ نموده و این قول ابو ذر و قول عطاء، نخعی و سفیان ثوری است.



پایگاه اطلاع رسانی دفتر منسوبات امامی خراسانی  
 مجلس خبرگان رهبری

